

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور  
دانشکده علوم انسانی  
مرکز تبریز

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

# شرح مشکلات تاریخ یمنی

رضا پورعبداله

استاد راهنما:

دکتر علی قهرمانی

استاد مشاور:

دکتر احمد محمدی

فروردین ماه ۱۳۹۰



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

### صور تجلسه دفاع از پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد آقای رضا پور عبدالله دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۰۴۶۴ تحت عنوان شرح مشکلات تاریخیمینی باحضور هیات داوران در روز چهارشنبه مورخ ۹۰/۱/۳۱ ساعت ۱۰ در محل ساختمان آموزشی (اتاق کنفرانس) برگزار شد و هیات داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۱۰۰۰۰۰ به حروف تیرده و نیم با درجه عالی تشخیص داد.

امضاء	دانشگاه/ موسسه	مرتبۀ دانشگاهی	هیأت داوران	نام و نام خانوادگی
	تربیت معلم آذربایجان	دانشیار	استاد راهنما	آقای دکتر علی قهرمانی
	مرکز تبریز	استادیار	استاد مشاور	آقای دکتر احمد محمدی
	مرکز تبریز	استادیار	استاد داور	آقای دکتر علیرضا معین زاده
	مرکز تبریز	مربی	نماینده گروه علمی	آقای دکتر میرنعمت اله موسوی
	مرکز تبریز	استادیار	مدیر تحصیلات تکمیلی استان	آقای دکتر سید مهدی عراقی



دانشگاه پیام نور

Payame Noor University  
Faculty Humanities College  
Tabriz Center

**Thesis Submitted for the Award of Master of  
M.A./M.Sc Persian Language Literate's Group**

**Department of Persian Language and Literate's Group**

# **Explanation of difficulties of Yamani's History**

**Reza Pourabdollah**

**Supervisor:**

**Dr.Ali Ghahramani**

**Advisor:**

**Dr.Ahmad Mohammadi**

**April, 2011**

## **Abstract**

The translation of history of Yamin, which has been interpreted to Persian by gorfadegani in the history of Ghaznavi especially during the reign of Yaminoddole, is a difficult and technical prose as its Arabic script is. But it may make readers and researchers misunderstand and get confused and discourage them from researching and studying this unique literary production. Therefore the writer has determined to explain intricate points of this product in the forms of vocabulary, composition, idioms, index of individuals, places, sects, series and religions, and also translation of verses, hadith (quotations of people like prophet and Imams) and Arabic proverbs. On this research concludes three principle parts. First chapter concludes explanation of vocabulary, composition and idioms. Second chapter concludes description of index.

Third chapter concludes translation of verses, Hadithes and Arabic proverbs, and some lexical points and some explanations about new branches of learning and meanings.

**Key words:** translation, yamini's history, vocabulary, index, lexical points, Arabic proverbs.

تقدیم به، روح پر فتوح پدرم،

و مادرم که اسطوره محبت است،

و تمامی آزادگان، دینداران و عارفان جهان در جمله زمان و مکان

## سپاس

با سپاس خداوندی را که به بنده توفیق آن را داد تا در حضور استادان گرانقدر و بزرگواری که در طول این مدت تحصیل، از کرسی علم و ادب آنها بهره‌ها برده و درس‌ها بگیرم بر خود لازم می‌دانم که از زحمات این استادان بزرگوار و ارجمند قدردانی و تشکر نمایم. از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر علی قهرمانی که با سعه صدر تمام و محبت بی‌شائبه خود در طول این مدت مرا همراهی کردند و با بیانات گرم و دل‌انگیز خود در تنظیم این اثر یاریم کردند تشکر می‌کنم، و همچنین از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر احمد محمدی که از محضرشان بهره‌ها بردم و از حضورشان مستفیض شدم تشکر می‌کنم.

نیز از استاد داور گرامی‌ام دکتر علیرضا معین زاده که زحمت داوری این پایان‌نامه را برعهده گرفتند و از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر میرنعمت الله موسوی رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی و نماینده هیئت تحصیلات تکمیلی نیز کمال تشکر را دارم و برای همه این بزرگواران و سروران گرامی آرزوی کامیابی و موفقیت دارم.

## چکیده

ترجمه تاریخ یمنی که توسط جرفادقانی در تاریخ غزنویان بخصوص یمین الدوله محمود به فارسی برگردانده شده است، همانند متن عربی دارای نثری سنگین، مصنوع، متکلف و فنی است تا جائیکه ممکن است خوانندگان و پژوهندگان را دچار سردرگمی و عدم درک مفاهیم آن کند و از رغبت آنان در تحقیق و مطالعه این اثر بی نظیر ادب فارسی بکاهد، لذا نگارنده بر آن شد تا نکات بغرنج این اثر را در قالب لغات، ترکیبات، اصطلاحات، اعلام اشخاص، مکان‌ها، فرق، سلسله‌ها و مذاهب، همراه با ترجمه ابیات، احادیث و امثال عربی شرح دهد، بر این اساس تحقیق حاضر شامل سه بخش عمده است.

فصل اول شامل شرح لغات، اصطلاحات و ترکیبات، فصل دوم شامل شرح اعلام و در فصل سوم پس از ترجمه ابیات، امثال و احادیث عربی پاره‌ای از نکات واژگانی و مسائلی در علوم بلاغی ذکر گردیده است.

**واژه های کلیدی:** ترجمه، تاریخ یمنی، لغات، اعلام، نکات واژگانی، امثال عربی.

نام: رضا

نام خانوادگی: پورعبداله

شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۰۴۶۴

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر علی قهرمانی

استاد مشاور: دکتر احمد محمدی

عنوان پایان نامه: شرح مشکلات تاریخ یمنی

تاریخ دفاع: ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۰



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
8	فصل اول: لغات، اصطلاحات و ترکیبات
272	فصل دوم: اعلام
273	۱-۲- نام‌های کسان
360	۲-۲- نام‌های اقوام، سلسله‌ها، فرق و مذاهب
۳۷۸	۲-۳- نام‌های جغرافیایی
۴۲۹	فصل سوم: ابیات، امثال و احادیث عربی
۵۲۵	نتیجه
۵۲۶	فهرست منابع و مآخذ
۵۳۱	چکیده انگلیسی (Abstract)

## علائم اختصاری

ج: جلد	ق: قید
ج: جمع	ر.ک: رجوع کنید به
جج: جمع الجمع	[ ]: مطلب در متن اصلی نیست
س: سطر	ع: عربی
ص: صفحه و صفت	مع: معرّب (تعریب شده)
ا: اسم	فا: فارسی
اخ: اسم خاص	تر: ترکی
مص: مصدر	هن: هندی
امص: اسم مصدر	اک: اکدی
حامص: حاصل مصدر	نم: نعت [صفت] مفعولی
نف: نعت [صفت] فاعلی	

## مقدمه

سپاس پروردگاری را که انسان را از تحیر ظلمت بیرون آورد و به واسطه «خلق الانسان و علمه البيان» وجود او را به نور دانش مزین کرد تا بدین طریق به واقعیات و حقایق رهنمون شود.

و سلام و صلوات بر مهتر کائنات و سرور مردمان، پیام آور حق، رسول اکرم و اعظم (ص) و ائمه معصومین که در راه اعتلای چراغ حقیقت و دانش از هر چه داشتند دریغ نورزیدند.

بی‌گمان یکی از روش‌های شناخت و بررسی و بکارگیری اصول علمی و عملی گذشتگان و استفاده از تجربیات آنان، تحقیق و واریسی دقیق در آثاری است که از آنان به یادگار مانده است و برای مطالعه و تحقیق این آثار باید به شرح نکات و ابهامات آن همت گماشت، زیرا که این آثار در دوره‌های مختلف خود از لحاظ خصوصیات سبکی، نوع و نحوه لغات و واژگان و جمله‌بندی و غیره دارای تفاوت اساسی با نثر دوره معاصر هستند بخصوص کتبی که به نثر مصنوع و متکلف [که در قرون اولیه اسلامی] برای اظهار فضل نوشته شده‌اند، نیاز بیشتری به شرح مشکلات آن آثار برای فهم بهتر آن برای پژوهندگان و علاقه‌مندان احساس می‌شود.

در این راستا یکی از اینگونه آثار بجا مانده از زمان‌های پیشین، ترجمه تاریخ یمنی است که توسط ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) از دبیران بنام دوره سلجوقی در سال ۶۰۳ ه.ق به فارسی برگردانده شده است.

کتاب تاریخ یمنی یکی از آثار متکلف و مصنوع زبان فارسی در قرن ۶ می‌باشد که به لحاظ احتواء بر لغات پیچیده و دور از ذهن گاه از حد نثر معمولی بسیار فراتر رفته مخاطب خود را در درک و فهم مطالب ناتوان و عاجز می‌سازد.

«اصل کتاب تاریخ یمنی به زبان عربی بوده و جزو متون ادب عرب به شمار می‌آید و مؤلف آن ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی متوفی سال ۴۲۷ هجری قمری است. وی از مردم ری و از کبار مترسلان ایران در قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هجری بود، شعر نیز می‌سرود، و از جمله آثار او جز تاریخ عتبی، لطائف الکتاب است. در آغاز جوانی ری را ترک گفت و به خراسان نزد خال خود ابونصر عتبی آمد و پس از مرگ وی دیرگاهی در خراسان در دستگاه ابوعلی سیمجور و ناصرالدین سبکتگین به سر می‌برد و چندی هم سمت نیابت شمس المعالی قابوس را در خراسان از جانب سلطان محمود داشته است، وی در تاریخ خود شرح سلطنت سبکتگین و سلطان محمود را تا سال

۴۱۲ آورده است، و این کتاب به مناسبت لقب سلطان محمود که یمین‌الدوله بوده به تاریخ یمینی موسوم گردید است، چنانکه اشاره کردیم عتبی از رجال ادب بشمار است، و انشای عربی کتاب او فنی و پیچیده و نیازمند تفسیر و شرح بوده است<sup>۱</sup> و تاکنون شروح و ترجمه‌های بسیاری بر اصل عربی کتاب نوشته شده است و شرحی که نگارنده بر مشکلات و سختی‌های آن می‌آورد از روی نسخه‌ای است که توسط ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) از دبیران مشهور دوره سلجوقی انجام گرفته است و توسط دکتر جعفر شعار در سال ۱۳۸۲ تصحیح گشته است.

### نثر فنی:

نثر فنی یا مصنوع، نثری را گویند که نویسنده در بکارگیری صنایع ادبی تعمد و اصرار دارد و مطلبی را که با کلمات ساده و متداول می‌توان بیان کرد، با جملاتی مملو از صنایع ادبی بیان می‌کند، ساده‌تر اینکه توجه نثر فنی به لفظ و آرایش کلام است. و صاف الحضرة در تاریخ خود صریحاً اظهار می‌کند که «هدف او (نثر فنی) فقط انتقال پیام نیست بلکه بیشتر درصدد هنرنمایی است و اگر می‌خواست تاریخ بنویسد پنج جلد کتاب خود را به مختصرترین وجهی می‌نوشت.» کثرت لغات عربی، استفاده از آیات و احادیث، ضرب‌المثل و اشعار عربی، استفاده از آیات و احادیث، ضرب‌المثل و اشعار عربی، استفاده از آیات و احادیث، ضرب‌المثل و اشعار عربی، در آمیختگی نظم و نثر و اطناب از ویژگی‌های نثر فنی است. نثر دوره باستان و متون حک شده بر روی کتیبه‌های هخامنشی را نیز می‌توان نثر فنی یا مصنوع به حساب آورد، اگر چه دشواری فهم آنها بیشتر به خاطر عدم آشنایی کامل با لغات ناشناخته و نیز اندیشه گوینده آن است.<sup>۲</sup> نخستین نمونه نثر فنی فارسی در دوره اسلامی که از لحاظ به کار بردن مترادفات و سجع‌ها به نثر فنی نزدیک می‌شود، کلیله و دمنه، اثر نصرالله منشی در سال ۵۳۶ هجری قمری است. تاثیرگذاری نثر مصنوع عربی بر فارسی و فارسی‌نویسان، در ظهور و رواج نثر فنی بسیار مشهود است. نثر فنی با طرفدارانی که از میان مورخان و دیوانیان پیدا کرد به کمال رسید و بعد از رسیدن به اوایل قرن هشتم با شناخت و طبع آزمایی در گونه‌های دیگر نثر به زوال کشیده شد.<sup>۳</sup> نمونه‌ای از نثر فنی از کتاب تاریخ یمینی: «و چون

۱- تاریخ یمینی، جعفر شعار، ص ۱۷ و ۱۸ مقدمه.

۲- تاریخ ادبیات پیش از اسلام، ص ۹۲.

۳- فن نثر در ادب فارسی، ص ۱۲۲.

سبک ربیع سیم برف در مسام زمین گداخت و هیکل زمین جوشن یخ بر کشید و قرطه سبز نبات در پوشید و جهان جوانی از سر گرفت، ایلک خان با سر انتصار شد و ...<sup>۱</sup>.

### **شرح حال عبدالجبار عتبی:**

ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (م ۴۲۷ ه.ق) اهل ری است که مدت طولانی در دستگاه ابوعلی سیمجور و ناصرالدین سبکتگین به سر برده و چندی هم سمت نیابت شمع المعالی قابوس را در خراسان داشته و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن ناصرالدین سبکتگین سپهسالار خراسان به سر می برده است. کتاب مشهور او تاریخ یمینی است که در شرح سلطنت سبکتگین و سلطان محمود تا سال ۴۱۲ نوشته شده و به نام یمین الدوله محمود به تاریخ یمینی موسوم گردیده است. عتبی بسیاری از حوادث اواخر عهد سامانی را به مناسبت، در کتاب خود آورده و آن اطلاعات نیز بسیار سودمند و مفید است.

وی از دانشمندان خراسان و معاصر دقیقی، فردوسی، عنصری و فرخی بوده است. عتبی تاریخ یمینی را به زبان تازی به خواهش امیر جلال الدوله ابو احمد، محمد، ولیعهد سلطان محمود غزنوی نوشت.

### **شرح حال جرفادقانی:**

مترجم تاریخ یمینی، ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) است که معاصر سلطان طغرل، آخرین ملوک سلجوقی عراق بود، بعد از کشته شدن طغرل در سنه ۵۹۰ ه.ق و اختلال اوضاع عراق به سبب طغیان ممالیک سلجوقیه و آمدن چندباره‌ی سلطان تکش خوارزمشاه به عراق و گرفتن و غارت همدان و بازگشتن وی در اواخر قرن ششم در حدود ۵۹۲ ه.ق که جمال‌الدین الغ باریک آیه دست اندرکار سلطنت عراق بود و با اتابک ازبک همدست و در نواحی عراق شوکتی به هم رسانیده، جرفادقانی در خدمت وزیر او ابوالقاسم علی بن حسن بود که به امر او تاریخ عتبی معروف به یمینی را از عربی به پارسی ترجمه کرد. وی از دبیران بنام دوره سلجوقی بوده و در نظم و نثر دو زبان عربی و فارسی ماهر و استاد بوده است.

مؤلف در دیباچه ترجمه یمینی از دو مجموعه از اشعار خود به نامهای روضه الحزن و شعله القابس یاد می کند و از تألیفات خود به کتاب تحفه الافاق فی محاسن اهل العراق که ظاهراً تذکره شعرا و کتاب تراجم احوال جمعی از بزرگان عراق است، اشاره دارد.

۱. تاریخ یمینی، ص ۳۱۹، س ۸

جرفادقانی مانند اکثر دانشمندان و مردم هم عصر خود مذهب تسنن داشته و در آن سخت متعصب بوده و با روافض و علویان مخالفت داشته است.

ابواب کتاب

کتاب شامل پنج بخش می‌باشد:

- بخش اول: توضیحات و فهرست کتاب و مقدمه مصحح
- بخش دوم: دیباچه مؤلف
- بخش سوم: متن کتاب از ذکر امیر ناصرالدین سبکتگین و مبدأ کار او تا ذکر امیر نصر بن ناصرالدین سبکتگین تا صفحه ۴۱۸
- بخش چهارم: سه ملحقه با عناوین ۱ خاتمه یمینی (حوادث ایام)، ۲ ترجمه آخر یمینی و ۳ ترجمه مرثیه عتبی درباره نصر بن ناصرالدین
- بخش پنجم: قسمت آخر کتاب شامل توضیحاتی پیرامون تعلیقات، سبک نگارش و لغات کتاب با معانی آنها و فهرست اسامی اشخاص، اماکن و اشعار.

## (۱) مقدمه مصحح

مقدمه دکتر جعفر شعار حاوی مطالب تحقیقی بسیار خوبی در مورد کتاب و موضوعات پیرامون آن می‌باشد که ابعاد مختلف کتاب از نویسنده تا نسخ مختلف و شیوه و روش کتاب و... را مورد بحث قرار داده است.

## (۲) دیباچه مؤلف

دیباچه این کتاب یکی از زیباترین دیباچه‌های زبان فارسی است که جرفادقانی آن را با سلاست و جزالت به خامه توانای منشیان خویشتن با نثری مصنوع و فنی نگاشته است.

شیوه او در خطبه کتاب همچون سایر دیباچه نگاران می‌باشد، وی پس از حمد و ثنای پروردگار متعال با نام همایون پیامبر اکرم و ذکر محامد و بزرگواری او نامه خود را می‌آرید و آنگاه صد هزار رحمت و تحیت و سلام به «عترت طاهر و اهل بیت و اشباع و اتباع و اصحاب» او می‌فرستد و سپس به مدح «الغ بار بیک آیه» و ملک متوفی «اتابک ایلدگز» و بویژه به «سید الوزا» ابوالقاسم علی بن محمد که مشوق وی در ترجمه کتاب بوده است، می‌پردازد و سرانجام از چگونگی تصنیف و ترجمه آن و موضوع و فایده‌اش سخن می‌گوید، او در شیوه نگارش اثر خود می‌نویسد: «نخواستهم که به

تکلف و تنوق، مقاصد و معانی کتاب در حجاب اشتباه بماند ... و اگر کسی مکتوبات این ضعیف در نظم و نثر تازی مطالعت کرده باشد ... معلوم شود که اگر چه کودن پارسیم حرون است، مرکب تازیم خوشرو است و گرچه کسوت مهلهل عجمه ام خلق است، حله مفوف عربیتم، نیک نو است. خطبه این کتاب نیز مانند سایر دیباچه‌های آثار مصنوع و فنی از این دست اشاراتی به آیات و احادیث دارد و آن را با آوردن ابیات نغز فارسی و عربی مزین کرده و به صنایع ادبی لفظی و معنوی و سایر آرایه‌های ادبی آراسته است.

### **(۳) متن کتاب**

کتاب حاضر شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی است و البته درباره امرای سیستان، آل زیار، آل فریغون، غوریان، دیلمیان، خوارزمشاهیان و افغانیان نیز شرحی آورده و از این رو کتاب حاضر یکی از مآخذ مهم و شایان توجه به شمار می‌آید. جنبه ادبی کتاب نیز بس مهم است و حاوی داستان‌ها، پندها، عبارات بدیع، اشعار زیبا و دلپذیر است. علاوه بر آن درباره مسائل گوناگون مذهبی و اجتماعی نیز اشاراتی در کتاب هست که از طرز تفکر مردم در قرن چهارم و پنجم هجری و آداب و رسوم اجتماع آن روزگار حکایت می‌کند. ترجمه کتاب حاضر در آغاز قرن ششم انجام گرفته و مؤلف مانند بسیاری از گویندگان و نویسندگان معاصر سلطان محمود غزنوی در مدح این پادشاه راه اغراق و غلو می‌پیماید، از این رو کتاب وی زیرمجموعه کتب درباری قرار می‌گیرد، اما وی از بیان حقائق خودداری نکرده و رشته سخن را تماماً به دست ستایش و مداهنه نداده است.

### **(۴) ملحقات کتاب**

الف) «خاتمه یمینی» یا حوادث ایام به قلم خود جرفادقانی: حوادث مربوط به زمان نویسنده - اواخر قرن ششم - را بیان می‌کند. در این «خاتمه» به ساده نویسی و نثر مرسل گراییده، از این حیث با ترجمه تاریخ یمینی فرق بسیاری دارد.

ب) «آخر یمینی» با قلم عتبی و محتوی آن بدگویی از شخصی بنام ابوالحسن بغوی که از امرا بوده است و ابواسماعیل سعد بن ابی المفاخر آن را ترجمه کرده است.

ج) «ترجمه مرثیه امیر نصر بن ناصر الدین سبکتگین» که در جوانی در گذشته است و این قسمت را شخصی بنام حبیب الله جرفادقانی ترجمه نموده است.

## سبک نگارش کتاب

ترجمه تاریخ یمینی یکی از آثار گرانسنگ و از کتب فصیح و پر مایه زبان فارسی است که به سبک عصر خود تحریر یافته است و به قول استاد بهار از حیث فصاحت و استحکام با اصل تازی برابری می‌کند.

«سبک تاریخ یمینی دنباله‌ کلیله و دمنه و شیوه ابوالمعالی نصرالله رحمه الله علیه می‌باشد جز اینکه سجع هم گاه به گاه به کار رفته است، ولی نه مانند مقامات حمیدی که قید وفور اسجاع موجب خراش اسماع گردد بلکه در موازنه و مترادفات هم تند نرفته و عبارت را از این ممر نیز خراب نکرده است، و من بعد از نثر ابوالمعالی و کلیله، از نثر جرفادقانی استوارتر و دلپذیرتر نیافته‌ام، نه از وطواط و بهاء الدین چنین سخن شنیده و نه از قاضی حمید و نور الدین منشی چنین عبارت بدیع و بلند دیده‌ام و آنجا که دست و قلم را آزاد ساخته و قصدش پرداختن معنی صرف است در کمال فصاحت و سلاست از عهده‌ ادای مقصود برآمده و در آنجا که قلم را نگاه داشته است نیز به خوبی حق صنعت را ادا کرده است»<sup>۱</sup>

بالمطبع کتاب مشحون است از صنایع و گفتارهای ادبی همچون کنایه و استعاره و سجع و جناس و موازنه و صنعت تشبیه و توصیف و ... که کمابیش در بین لغات و اصطلاحات اشاره‌ای هر چند کوتاه به برخی از آنها شده است و در مقدمه مصحح هم، بنابراین نیازی به آوردن این مباحث با امثله نمی‌بینیم و مخاطبان و علاقه‌مندان و پژوهشگران با چنین مباحثی آشنایی دارند اما از آنجا که در مطالعه کتاب به لغات سخت و مشکلی از واژگان و اعلام ناآشنا و اسماء نامعلوم و ... برمی‌خوریم که راه کاوش و بهره‌وری و استفاده از کتاب را برای خواننده سخت می‌کند، بر آن شدم که با شرح این مسائل زبانی و واژگانی راه استفاده از کتاب را هموار کنم که با انجام این کار فی الواقع در خواندن کتاب احساس لذت و دانستن آن حاصل شده است و در شرح کتاب به همه بخش‌های آن جز مقدمه مصحح پرداخته شده است و بعضاً از تعلیقات کتاب که در آن شرح پاره‌ای از موارد سخت و مشکل آمده است، بصورت تطبیقی استفاده شده است.

در کل، این پایان‌نامه در سه فصل تنظیم شده است، بخش اول شرح لغات و اصطلاحات و ترکیبات را شامل می‌شود که در آن بالغ بر ۲۵۰۰ مدخل از واژگان بسامد ترتیبی لغات عربی، معرب، فارسی،

۱. رجوع به سبک‌شناسی نثر شود.



ترکی و احیاناً از زبان‌های دیگر آمده است که در کنار شرح معنایی و توصیفی و ریشه‌شناسی این واژه‌ها گاه‌گاه با کنایات، استعارات، تشبیهات و معانی مجازی آنها همراه با پاره‌ای از دیگر صنایع ادبی و نکات دستوری همراه است و نیز شکل آوایی لاتینی کلمه با اسم و مشخصات آن و در آخر با ارجاع به شاهدهی مستعمل از متن کتاب به ترتیب الفبایی ذکر گردیده است.

همانطور که گفته شده در این بخش از شکل الفبای آوایی لاتینی برای تلفظ صحیح واژگان استفاده شده است و برخی از حروف که معادل آوایی ندارند با علامات خاصی همراه است که به شرح زیر است:

آ=ā، چ=ç، ق و غ=q، ژ=j، خ=x و عین نیز با علامت «'» نشان داده شده است. در این فصل از منابعی مانند لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین و فرهنگ آندراج بعنوان منابع اصلی بهره گرفته شده است.

بخش دوم این تحقیق شامل اعلام و نام‌ها است که در آن اسم‌های مذکور در کتاب تاریخ یمینی اعم از نام‌های افراد و کسان از پیامبران، بزرگان، اندیشمندان، هنرمندان، شعرا، پادشاهان و امرا و سرداران و رؤسای ایالات و ... و قسمی از اعلام فرق و مذاهب و سلسله‌ها و خاندان‌های تاریخی و اعلام جغرافیایی شامل کشورها و شهرها و مکان‌ها و محلات مختلف شرح داده شده است تا آنجا که با شرح آنها به سطح روشنی از نثر روان و قابل فهم و دلپذیر فارسی برسیم که از منابعی مانند دهخدا و فرهنگ‌های موضوعی مانند اعلام زرکلی و فرهنگ بزرگان اسلام و ایران استفاده شده است.

در بخش سوم و آخر، شرح پیچیدگی‌ها و نکات مبهم ابیات، احادیث و امثال عربی موجود در کتاب از حیث واژگان و نکات دستوری، با اشاره به بعضی نکات در علم بدیع و معانی و بیان به همراه ترجمه آنها آمده است. در این بخش از فرهنگ‌های عربی به فارسی مثل المنجد و لاروس و از کتاب امثال و حکم مشابه در عربی و فارسی و فرهنگ بدیعی استفاده گردیده است.

در کل بخش‌ها از پاره‌ای از شواهد شعری شعرا و شواهدی از نثر نویسندگان بزرگ ادب فارسی بهره برده‌ام.

فصل اول:

لغات، اصطلاحات

و ترکیبات

## ٦

**آباء علوی [olvi یا] ābāe-elvi**: [ع، اِمْرَكَب] افلاک و ستارگان، سبعة سیاره. (دهخدا)

ر.ک: و کرم و سماحت از همه ابنای سفلی و آباء علوی ممتاز و مختار و ... (ص ۴۹۲، س ۱۷)

**آثام āsām**: [ع، اِ] ج اثم؛ بزه‌ها، گناهان. (دهخدا)

ر.ک: و آن را زبده حسنات و طهرة آثام و سیئات او دانند. (ص ۳۸۲، س ۷)؛ و نیز: ص ۴۷۷.

**آجام ājam**: [ع، اِ] ج اجمه، به معنی نیستان و نیزار و بیشه. (دهخدا)

ر.ک: و طایفه‌ای از جنود که بر آکام و آجام این حدود بعیث و فساد و فسق و عناد برخاسته بودند... (ص ۲۱۰، س ۸)؛

و نیز: ۳۵۵، ۲۸۳، ۲۱۰، ۱۲۸.

**آس ās**: [ع، از سریانی آسا] مورد، رند، اسمار، مرد، مرت، عمار، فیطس، مرسین و آن درختی است

بلندتر از انار، برگش ریزه‌تر از برگ انار و مایل به استداره، تخمش سیاه و خزان نمی‌کند و گل و

برگ آن معطر است. (دهخدا)

ر.ک: و آن دُرهای ستاره پیکر و یواقیت نارگون و زمردهای آس رنگ و یاره‌های الماس تمام بریختند. (ص ۲۹۴،

س ۴)

**آصف āsef**: [ع، اِخ] وزیر سلیمان، پیغمبر و پادشاه یهود. آصف ابن برخیا و گویند این همان کس

است که علمی از کتاب داشت و در قرآن کریم ذکر آن رفته است و او تخت بلقیس سبا را از دو ماهه

راه یا کمتر از لمح بصر و چشم زخمی در پیشگاه سلیمان حاضر ساخت. (دهخدا) در اینجا مجازاً به

معنی مطلق وزیر آمده است.

ر.ک: ... محمد بن ابی حنیفه حَرَسَ اللهُ غُلَاةً که آصف ملک و دستور دولت بود. (ص ۷، س ۱۲)

**آغالیدن āqālidan**: [فا، مص] برانگیختن، تحریک کردن. (معین)

ر.ک: و رَجَالُهُ طوس را بر ایشان آغالیم تا شبها بر حواشی لشکر شبیخون می‌کنند و... (ص ۱۲۰، س ۹)؛ و نیز: ۱۶۵،

۳۰۹.

**آفل āfel**: [ع، ص] فرو شونده، ناپدید گردنده، غروب کننده که فرو رود، غارب. (دهخدا)

ر.ک: کوکب مجدت آفل و ظلّ عاطفت الهی زایل... (ص ۴۸۶، س ۴)

**آکام ākām**: [ع، اِ] ج اکمه، تپه‌ها، پشته‌ها. (معین)

ر.ک: و طایفه‌ای از جنود هنود که بر آکام و آجام این حدود بعیث و فساد و فسق و عناد برخاسته بودند... (ص ۲۱۰،

س ۸)

**آوانها āvanhā**: [فا، ا] جِ آون، مخفّف آونگ، نگون، معلق، آویزان، آویخته، دروا. (دهخدا)

ر.ک: و بعضی آون‌های محکم ساختند و ... (ص ۴۲۰، س ۴)

**آهختن āhextan**: [فا، مص] آهیختن، آختن، لنجیدن، آهنجیدن، کشیدن، برکشیدن. (دهخدا)

ر.ک: و چون دست هوا تیغ صبح از نیام افق برآهخت ... (ص ۱۲۰، س ۱۶)

## أ-١

**اباحت ebāhat**: [ع، مص] اباحه، مباح کردن، حلال کردن، جایز داشتن، جواز، روائی، دستور،

رخصت مقابل خطر و تحریم و منع. (دهخدا)

ر.ک: و خطی با باحت خون از وی بازستدند. (ص ۳۴۰، س ۱)؛ و نیز: ۳۴۰، ۳۷۳.

**ابانت ebānat**: [ع، مص] جدا کردن، آشکار کردن، پیداشدن. (دهخدا)

ر.ک: معالجت جز قطع و ابانت نیست؛ و ... (ص ۱۶۲، س ۲)

**ابتناء ebtenā'**: [ع، مص] نهادن، پی افکندن، ساختن، بنا کردن. (دهخدا)

ر.ک: و همگی اوقات او بر ابتناء ذکر جمیل ... (ص ۲۹۲، س ۱)

**ابتهاج ebtehāj**: [ع، مص] شادی، شادمانی، فرح، مسرت، سرور. (معین)

ر.ک: و اولیاء دولت بدان مسرت و ابتهاج فزودند. (ص ۱۶۷، س ۱۱)

**ابتهاال ebtehāl**: [ع، مص] زاری کردن، زاری، ضراعت، استکانت. (دهخدا)

ر.ک: چپال جز معاودت و مراجعت و تضرّع و ابتهاال چاره‌ای دیگر ندید. (ص ۳۰، س ۱)؛ و نیز: ۱۲۳، ۳۲۹.

**ابدال abdāl**: [ع، ا مص] جِ بدل، پیش‌آمدها، حالات (در اصل بدل‌ها و عوض‌ها). (معین)

ر.ک: هر آینه روزگار بتغییر احوال و تبدیل ابدال متکفل است. (ص ۳۹۴، س ۳)

**ابدالآبدین abad-ol-ābedin**: [ع، اسم مرکب، قید مرکب] همیشه/هرگز. (دهخدا)

ر.ک: سزای کفر و کنود او تا ابدالآبدین بدو می‌رسانند. (ص ۲۷۷، س ۶)

**ابرام ebrām**: [ع، مص] سخت بتافتن، رس دو تا بافتن، بستوه آوردن، اصرار، الحاح، پافشاری. ابرام

کردن حکمی: مقابل نقض کردن آن. (دهخدا)

ر.ک: و زمام حلّ و عقد و بسط و قبض و ابرام و نقض بدست حزامت و شهامت او دادند. (ص ۴۷، س ۱۱)

**ابطال abtāl**: [ع، ا] جِ بَطَل؛ دلیران، شجاعان، دلاوران. (معین)

ر.ک: و سَلّی از ابطال خدم و اُشبال حشم پیش مراد او مانع و حایل شد. (ص ۲۴۳، س ۹)؛ و نیز: ۲۷۶، ۳۳۲، ۳۸۲.

**ابقاء ebqā'**: [ع، مص] باقی گذاشتن، بجای ماندن چیزی را. (معین)